
عوامل و دلایل گسترش
جنگ
ایران و عراق

بسم الله الرحمن الرحیم

عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق

نویسنده:

محمود یزدان فام

ناشر چاپی:

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق

مشخصات کتاب

عنوان:عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق

نوع مقاله:عمومی

نویسنده:محمود یزدان فام

ناشر:پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

موضوع:جنگ ایران و عراق

مقدمه

در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹، جنگ ایران و عراق با هجوم سراسری ارتش عراق به استان‌های غربی ایران و حملات هوایی گسترده این کشور به مراکز مهم نظامی، سیاسی و اقتصادی ایران آغاز شد و تا برقراری آتش بس مؤثر در ۲۹ مرداد ماه ۱۳۶۷ ادامه یافت. در طول هشت سال جنگ، دو طرف درگیر با توجه به این اصل روابط بین الملل که اتحاد و ائتلاف یکی از منابع قدرت است کوشیدند تا با جلب حمایت کشورهای دیگر بر توان خود بیفزایند و از افزایش قدرت کشور مقابل جلوگیری کنند. تخریب روابط و مناسبات کشورها با طرف دیگر جنگ بعد دیگری از این تلاش بود. از آن جا که جنگ به عنوان یک پدیده بین‌المللی بیشتر از قاعده حاصل جمع جبری صفر پیروی می کند و منافع دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موضعگیری و اقدام کشورها، به ویژه کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ جهانی در قبال آن نیز اجتناب ناپذیر می‌نمود. در عمل، واکنش کشورهای منطقه و قدرتمند جهان به جنگ ایران و عراق و مقدم بر آن به انقلاب اسلامی بر سه گونه بود: حمایت از عراق، حمایت از ایران و اعلان بی‌طرفی. در طول هشت سال جنگ، حمایت‌ها و بی طرفی‌ها در حالت سکون نبود و پویایی آنها افزون بر تحولات خود آن کشور و نظام بین الملل به تحولات صحنه جنگ و روابط با دو طرف درگیر بستگی داشت.

به لحاظ دامنه جنگ گستره حملات زمینی عراق، استان‌های مرزی ایران بود که حدودا از آغاز تا پایان جنگ، به همان شکل باقی ماند، اما حوزه اقدامات عراق در عرصه نبردهای دریایی و حملات هوایی به این صورت نبود و با تحولات بسیاری همراه بود. گستره جغرافیایی حملات هوایی در دریا و خشکی افزایش یافت و ارتش عراق از سلاح‌های متنوع‌تر و پیچیده‌تری استفاده کرد و پای کشورهای دیگر منطقه از جمله عربستان و کویت، دو ابرقدرت وقت (امریکا و شوروی) و هم چنین قدرت‌های بزرگ اروپا را به وسط کشاند و آنها را درگیر جنگی کرد که با تصور پایان پیروزمندانه آن در طول سه روز، آغاز کرده بود. در سال پایانی جنگ، جمهوری اسلامی ایران نه تنها با ارتش عراق، بلکه با آمریکا و متحدان جهانی و منطقه‌ای آن در خلیج فارس هم درگیر بود و دامنه جنگ از مرزهای مشترک ایران و عراق به آب‌های خلیج فارس و دریای عمان نیز کشیده شده بود. در این جنگ، عراق افزون بر سلاح‌های متعارف از سلاح‌های غیر متعارف نیز استفاده کرد و بجز مناطق جنگی، مناطق مسکونی و مراکز اقتصادی دو کشور تقریبا در تمام قلمروی آنها هدف حملات هوایی و موشکی قرار گرفت.

در این نوشته، ضمن تشریح زمینه‌ها و عوامل گسترش جنگ ایران و عراق، تلاش می کنیم با گاه به تحولات عرصه جنگ، موقعیت ژئوپلیتیک و اهداف عراق، دلایل و چگونگی آن را تبیین نماییم. هم چنین، امیدواریم درس‌های لازم را از بررسی این موضوع بگیریم و از آنها در سیاست گذاری‌های امنیتی و اتخاذ تصمیمات نظامی

[صفحه ۳۶]

استفاده کنیم. در این جا، برای آن که زمینه‌ها و عوامل گسترش جنگ را بشناسیم بعد از اشاره به معنا و مفهوم گسترش، موقعیت ژئوپلیتیک عراق را به منزله عامل گرایش این کشور به گسترش جنگ ارزیابی خواهیم کرد. واکنش جمهوری اسلامی ایران به عنوان طرف مقابل آن می‌تواند در خنثی کردن چنین سیاستی یا رسیدن به مقصد مورد نظر مؤثر باشد و دلایل آن را تا حدی روشن کند. هم چنین، صحنه جنگ نیز در سطوح مختلف، می‌تواند در تبیین عوامل نزدیک، آگاهی بخش باشد.

زمینه‌ها و دلایل گسترش جنگ را می‌توان از سه دیدگاه متفاوت، اما پیوسته بررسی کرد. دیدگاه نخست، به بنیان‌ها و رویکردهای قدرتی ایران و عراق توجه دارد و سعی می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که زیر ساخت‌های قدرتی در عراق و ایران چه تأثیری در انتخاب رویکرد توسعه‌طلبانه و گسترش جویانه عراق داشته است. دیدگاه دوم، نگاه غایت نگرانه‌ای است که انگیزه‌ها و مقاصد عراق را از اتخاذ چنین رویکردی بررسی می‌کند و سرانجام، دیدگاه سوم بر گسترش جنگ، تحولات صحنه‌های نبرد و ابعاد سیاسی بین المللی آن متمرکز است. فرض بر این است که در پدیده‌ای مانند جنگ جدا از زیر ساخت‌ها، اهداف و مقاصد، خود تحولات در تصمیم‌گیری و رویکرد طرف‌های جنگ یا حداقل در زمان و چگونگی عملی شدن آن مؤثر است.

معنا و مفهوم گسترش

جنگ‌ها به شکل افقی و عمودی گسترش می‌یابند. گسترش افقی جنگ‌ها به دامنه جغرافیایی اقدام نظامی و گسترش عمودی به درجه و شدت جنگ اشاره می‌کند. احتمال دارد گسترش افقی جنگ در درون دو کشور درگیر باشد یا این که از قلمروی دو کشور متخاصم خارج شود و قلمروی دیگر کشورها را نیز دربر گیرد که در این صورت، گفته می‌شود جنگ بین المللی شده است. در گسترش عمودی جنگ، میزان و شدت جنگ مد نظر است و برای ارزیابی آن به شاخص‌هایی چون اهداف حملات، جنگ افزاری‌های مورد استفاده، میزان و شدت حملات توجه می‌شود. حال این پرسش مطرح است که آیا جنگ به میدان‌های نبرد محدود است یا اهداف غیر نظامی صنعتی و جمعیتی هم هدف حمله قرار می‌گیرند؟ از چه نوع سلاح‌هایی در جنگ استفاده می‌شود؟ در جنگ، سلاح‌های متعارف به کاربرده می‌شود یا در صورت دستیابی به سلاح‌های غیر متعارف مانند شیمیایی و میکروبی از آنها نیز استفاده می‌شود؟ استفاده از این سلاح‌ها به میدان‌های نبرد و نیروهای نظامی محدود است یا علیه افراد غیر نظامی هم به کار برده می‌شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها و بررسی شاخص‌های مزبور می‌تواند افزایش شدت جنگ را نشان دهد. برای بیان افزایش شدت جنگ از واژه تصاعد [۱] استفاده می‌شود که به یک روند تدریجی فزاینده تعاملی در جنگ اشاره می‌کند و برای بیان هر دو مفهوم از واژه گسترش استفاده می‌شود که معادل واژه انگلیسی expand است.

پیش از پایان بحث، لازم است به گسترش مفهومی از جنگ نیز اشاره شود؛ موردی که به نظر می‌رسد در جنگ ایران و عراق، نمودهای آشکاری داشت و با جنگ‌های مدرن که نه صرفا بر سر آب، خاک، بلکه با قدرت و عقیده همراه هستند، ارتباط تنگاتنگ دارد. جنگ‌های مدرن اراده‌ها و عقیده‌ها را نیز دربر می‌گیرد. جنگ‌های روانی - تبلیغاتی با بیان مفاهیم می‌توانند اراده تصمیم گیرندگان، افکار عمومی و جنگجویان کشور مقابل و کشورهای مؤثر دیگر را هدف قرار دهد، عقیده و مبانی تصمیم گیری دیگران را در نظر می‌گیرد و در صدد برمی‌آید آن را به نفع خود تغییر دهد. مفاهیمی که در این عرصه از جنگ رواج دارند در فرآیند زمان و با توجه به تحولات عرصه‌های دیگر جنگ دگرگون می‌شوند. [۲] تصمیم عراق برای تبدیل جنگ ایران و عراق به جنگ شیعه و سنی و عرب و عجم نمونه‌ای از تلاش این کشور برای گسترش مفهومی جنگ بود. در عصر ظهور رسانه‌های الکترونیکی، گسترش مفهومی جنگ بسیار مؤثر و در خور توجه است که در صفحات بعد، به آن خواهیم پرداخت.

تمرکز اصلی تحقیق از نظر مفهومی بر گسترش جنگ به معنای بین المللی شدن آن است. بررسی معنا و مفاهیم دیگر گسترش برای درک بهتر مسائل ضروری است. در آغاز، باید برای یافتن عوامل مؤثر در گسترش جنگ بنیان‌ها و رویکرد قدرتی عراق بررسی شود. در سیاست

[صفحه ۳۷]

قدرتمندانه، قدرت داور نهایی تعارض منافع و چگونگی رفع و رجوع آن در بین دولت‌هاست. با توجه به موقعیت و مبانی قدرت کشورها، گرایش‌ها و انگیزه‌های زمامداران کشورها در تقویت و به کارگیری قدرت متفاوت است. برای ارائه پاسخ مناسب و کارشناسی به این پرسش که چرا عراق در صدد گسترش جنگ به کشورهای دیگر بود؟ باید به بنیان‌های قدرت و رویکرد حکومت به قدرت توجه کنیم و آن را نسبت به ایران که طرف دیگر جنگ بود و قدرت عراق در مقایسه با آن وزن واقعی خود را نشان می‌دهد در نظر بگیریم.

بنیان‌ها و رویکرد قدرتی ایران و عراق

اشاره

در تعیین میزان قدرت هر کشور مؤلفه‌های متعددی وجود دارد که به طور مفصل، در کتاب‌های علوم سیاسی و روابط بین المللی، تشریح شده‌اند. برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، نظام سیاسی، قدرت اقتصادی، موقعیت ژئوپلتیکی، موقعیت و جایگاه منطقه‌ای و بین المللی ایران و عراق در آستانه جنگ را به طور کوتاه بررسی می کنیم. در طول دوره جنگ رویکرد زمامداران عراق به قدرت با رویکرد زمامداران ایران متفاوت بود. نگاه جمهوری اسلامی ایران به جهان از ایدئولوژی و پیامدهای انقلاب اسلامی ساختار شکنانه متأثر بود و وضع موجود نظام بین الملل را به چالش می‌طلبید. تلاش برای برقراری روابط با ملت‌ها به جای دولت‌ها، تأکید بر خود کفایی و استقلال در تمام زمینه‌ها و خصومت قدرت‌های بزرگ با انقلاب اسلامی منجر به پیدایش رویکردی درون پایه شده بود. این رویکرد، سیاستی انزواگرایانه نبود و با درون گرایی نیز تفاوت داشت. در این رویکرد، برای تأمین منافع و اهداف مورد نظر در عرصه بین المللی بیشتر بر منابع داخلی تأکید و کم‌تر به فرصت‌های بین‌المللی توجه می‌شد. رویکرد مزبور، به نظام بین الملل بدبین بود و فرآیند جذب و گسترش را با بدبینی به کنترل یکسویه از طرف قدرت‌های بزرگ و نابودی استقلال تأویل می کرد. در مقابل، عراق با توجه به ضعف‌های ساختارهای خود بیشتر رویکردی برون گرایانه داشت و سعی می کرد با توسعه و گسترش روابط و مناسبات خود با کشورهای دیگر از توان و قدرت آنها استفاده کند و فرصت‌های بیشتری را فراهم آورد. این دو رویکرد متفاوت در عناصر ساختاری قدرت، تحولات و نگرش زمامداران دو کشور ریشه داشت.

با بررسی مقایسه‌ای عناصر تشکیل دهنده قدرت ایران و عراق در آغاز جنگ نتایج زیر به دست می‌آید: [۳] .

الف) جمعیت ایران حدودا سه برابر جمعیت عراق است. در نگاه نخست، زمینه جذب و سازماندهی مردم در قالب نیروهای مسلح، برای ایران نسبت به عراق سه به یک است. ویژگی‌های کیفیتی جمعیت ایران نیز در مرتبه بالاتری از عراق قرار دارد.

ب) هر دو کشور از جمله کشورهای جهان سوم هستند که در راه توسعه، قدم گذاشته‌اند. منبع اصلی درآمد آنها صدور نفت است. میزان سهمیه اپک برای ایران تقریبا دو برابر میزان سهمیه عراق است. زیر ساخت‌های اقتصادی ایران در مقایسه با عراق در وضعیت مناسب‌تری می‌باشد.

ج) در آن زمان، از نظر سیاسی، ایران در وضعیت بی‌ثبات‌تری قرار داشت. انقلاب اسلامی به پیروزی رسیده بود، اما درگیری‌ها و بحران‌های داخلی هم چنان جریان داشت. از نظر سیاسی تفاوت اصلی دو کشور را می‌توان در پایگاه مردمی آنها جست و جو کرد. جمهوری اسلامی ایران علی رغم این که هم چنان شاهد پس لرزه‌های انقلاب و چالش‌های درونی بود، در اراده و خواست مردم ریشه داشت و بر خلاف حکومت‌های منطقه، با اراده مردم تأسیس و بر پا شده بود. در عراق، صدام عملاً ـ با حاکم کردن یک حکومت خانوادگی، حکومت را در دست داشت.

د) موقعیت ژئوپلیتیک دو کشور نیز بسیار متفاوت است. با این که هر دو به خلیج فارس دسترسی دارند، اما دسترسی عراق بر خلاف ایران فقط به باریکه کوچکی در شمال خلیج فارس از طریق خور عبدالله و اروندرود است. عراق در درون مجموعه کشورهای عرب قرار دارد و در منتهی‌الیه مرزهای شرقی اعراب واقع شده است. هر چند ایدئولوژی حاکم بر عراق سوسیالیسم – بعثی است، اما زمان عربی و علایق قومی این کشور را با دیگر کشورهای عرب منطقه پیوند داده است. ایران در منطقه‌ای واقع شده که می‌توان آن را کشوری با ویژگی‌های منحصر به فرد و تنها نامید. با وجود این که هر دو کشور از کشورهای جهان اسلام هستند، اما این پیوند نتوانست از وقوع جنگ میان

[صفحه ۳۸]

آنها جلوگیری کند. ایران با همسایگان خود پیوندهای عمیقی ندارد. ترکیه مانند ایران با ویژگی‌های اختصاصی در منطقه یکه و تنهاست. پاکستان هم که ادامه شبه قاره هند است. تنها شوروی باقی می‌ماند که در آن زمان، از نظر نژادی، فرهنگی و زبانی با ایران متفاوت بود.

مبانی قدرت و موقعیت بین المللی

مبانی و زیر ساخت‌های متفاوت قدرت بین ایران و عراق همراه با رهبران و ایدئولوژی متفاوت حاکم بر آنها دو رویکرد متفاوت را نسبت به نظام بین الملل و روابط با کشورهای دیگر پدید آورد. زمامداران عراق به خوبی می‌دانستند که نمی‌توان با اتکا به چنین زیر ساخت‌ها و قدرت برخاسته از آنها به اهداف مورد نظر دست یافت. با محاسبات بسیار ساده برتری و تفوق قدرت ایران آشکار می‌شد. زمامداران عراق به دلیل مزیت نسبی منطقه‌ای و بین المللی استفاده از عناصر بین المللی قدرت را تنها راه خروج از این بن بست ارزیابی کردند. آنها عضو جامعه عرب بودند و می‌توانستند که توان و قدرت آنها برای رسیدن به اهداف مورد نظر بهره بگیرند. بعد از پیروزی انقلاب، زمامداران عراق بیش از آن که بر موارد اختلافی ایران و عراق تکیه کنند، موارد کلی‌تر را مطرح کردند و از زبان جهان عرب سخن گفتند. اطلاعیه‌ها و سخنان مقامات عراق درباره باز پس دادن جزایر سه گانه خلیج فارس به اعراب نمونه‌ای از این رویکرد بود. روزنامه الثوره، ارگان حزب بعث عراق، سه ماه قبل از آغاز جنگ، نوشت: «ایران باید برای نشان دادن حسن نیت خود در قبال اعراب، سه جزیره تنب بزرگ، کوچک و ابوموسی را به اعراب بازگرداند». [۴] تلاش برای تشکیل کشور جدید متحده عراق – سوریه بر اساس ایدئولوژی حزب بعث و محوریت قوم عرب، جهت گیری و موقعیت‌های ساختاری عراق را در سطح منطقه‌ای نشان می‌داد. این کشور افزون بر کشورهای عرب منطقه با بلوک شرق و قدرت‌های بزرگ اروپا، به ویژه فرانسه روابط و مناسبات بسیار نزدیکی داشت.

روابط کم رنگ عراق با آمریکا نیز در سایه تحولات و پیامدهای انقلاب اسلامی ایران رو به بهبود گذاشت و با دیدار مقامات عالی رتبه امریکایی از بغداد به مرحله جدیدی وارد شد و هر روز در راستای همکاری بیشتر بین دو کشور گام‌های بلندتری برداشته شد.

به این ترتیب، در نظام دو قطبی که رقابت دو بلوک برای نفوذ در مناطق مختلف از قواعد جوهری آن محسوب می‌شد، عراق نه تنها با نظام بین الملل هیچ گونه تعارضی نداشت، بلکه به دلیل تحولات جدید منطقه، روابط و مناسبات بسیار نزدیکی را با هر دو ابرقدرت و هر دو بلوک طرفدار آنها برقرار کرد و از فرصت‌های به دست آمده برای افزایش توان نظامی و قدرت ملی خود بهره‌های فراوانی برد. [۵] در این دوره، به دلیل اوضاع نابسامان موجود در داخل ایران، این تصور در عراق پدید آمده بود که می‌تواند با حمایت‌های غیر مستقیم قدرت‌های بزرگ و حامیان منطقه‌ای خود به اهداف مورد نظر دست یابد.
با موفقیت‌های ایران در جبهه‌های جنگ، موازنه قدرت به زیان عراق تغییر کرد و پس از آزادسازی سرزمین‌های اشغالی، ایران استراتژی تنبیه متجاوز را در پیش گرفت. نیروهای مسلح ایران تعقیب عراق را در داخل خاک این کشور در برنامه کاری خود قرار دادند. در این هنگام، شک و تردید در قدرت نظامی عراق برای مقابله با جمهوری اسلامی آغاز شد. با پیروزی های بعدی، به ویژه فتح فاو و شکستن دیوار دفاعی عراق در شرق بصره نگرانی‌های عراق به شدت افزایش یافت. چاره‌اندیشی این کشور برای کسب توان و تغییر روند موجود، استفاده همه جانبه از موقعیت بین المللی خود بود. بر خلاف مواضع همسو و سازگار عراق با نظام بین المللی و منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران در وضعیت متعارضی با نظام بین المللی قرار داشت. انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی، نه غربی در صدد ارائه، راه‌حل‌ها، ارزش‌ها و روش‌های اسلامی در برابر لیبرالیسم غرب و کمونیست شرق بود. راه سومی که با وضع موجود نظام بین الملل در تعارض و تضاد قرار داشت و نظام‌های سیاسی موجود در منطقه را به چالش می‌طلبید. رویکرد جمهوری اسلامی ایران به نظام بین الملل با توان واقعی آن سازگار نبود. کوشش فراوان برای اتحاد اسلامی، حمایت از نهضت‌های آزادی بخش، تلاش برای برقراری روابط با ملت‌ها به جای دولت‌ها، اعلام صدور انقلاب اسلامی، دور شدن از دولت‌های محافظه کار منطقه [۶] وضعیتی را پدید آورده بود که در سیاست خارجی از آن با نام نابرابری تعهد و توان یاد می‌شود، یعنی توان محدود کشور در چرخه تعهدات نا محدود گرفتار می‌شود. هر چند مسئولان بلند پایه نظام اعلان کردند در صدد صدور انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه نیستند، اما برداشت کشورهای منطقه از اوضاع با بیانات مسئولان ایران متفاوت بود و آنها بر اساس ادراک خود، تصمیم می‌گرفتند و اقدام می‌کردند که با گفتار ایران تفاوت داشت.

[صفحه ۳۹]

گسترش جنگ به کشورهای دیگر

اشاره

در مرحله تعقیب و تنبیه متجاوز، جمهوری اسلامی ایران با اجرای عملیات سرنوشت ساز کوشید تا تصمیم خود را از موضع قدرت عملی کند. آنها در پی فتح چند نقطه استراتژیک و فروپاشی ارتش و رژیم عراق بودند. در پی انجام عملیات و الفجر هشت که در ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ آغاز شد، شبه جزیره و بندر نفتی فاو به تصرف ایران درآمد و با قطع راه ارتباطی مستقیم عراق با خلیج فارس، صحنه نبرد به نزدیکی مرزهای مستقیم عراق با خلیج فارس، صحنه نبرد به نزدیکی مرزهای کویت کشیده شد. در پی بی نتیجه بودن تلاش همه جانبه عراق برای بازپس گیری فاو، وحشت حامیان عراق افزایش یافت. آنها خود را به طور جدی با تهدید گسترش انقلاب اسلامی رو به رو دیدند. در نتیجه، صفوف خود را فشرده‌تر کردند، به طوری که عربستان جنگ قیمت‌ها و عراق جنگ نفت کش‌ها را برای کاهش و قطع درآمدهای ایران در پیش گرفت. افزایش عرضه نفت کشورهای عربی، به ویژه عربستان، سقوط

بی‌سابقه قیمت نفت را موجب شد. به طوری که در سال ۱۳۶۵، درآمد ایران به کم‌تر از شش میلیارد دلار رسید. این امر در دراز مدت، کاهش فراوان درآمد دولت را موجب شد و تجهیز و تدارک جنگ را با مشکل رو به رو کرد. [۱۳] .

در این زمان، نیروهای عراق که به نحو چشمگیری مسلح و مجهز شده و از نظر سازمان رزم نیز، توسعه در خور توجهی یافته بودند، دو طرح متفاوت را در دستور کار خود قرار دادند. نخست، در قالب استراتژی جنگ فرسایشی، در صدد برآمدند با انتخاب استراتژی دفاع متحرک و استفاده از توان نظامی از انفعال خارج شوند و نظامیان خود را با جبران بخشی از شکست نظامی - سیاسی در فاو از نظر روحی - روانی تقویت کنند، [۱۴] اما در عمل، موفقیت چندانی به دست نیاوردند و زمامداران عراق با آغاز عملیات کربلای ۵ در شرق بصره و شکسته شدن دیوار دفاعی مستحکم آنها دریافتند که توانایی لازم را برای مقابله با رزمندگان اسلام در جبهه زمینی ندارند؛ بنابراین، طرح دوم را با هدف جلب توجه کشورهای دیگر به خطرات جنگ، به ویژه جریان نفت در خلیج فارس و تضعیف توان مالی و پایگاه اجتماعی ایران با حمله به منافع نفتی، اقتصادی و مسکونی برگزیدند. این حملات که مکمل خوبی برای اقدام عربستان بود در طول سال ۱۳۶۶، نخست بر روی مناطق مسکونی تمرکز داشت [۱۵] و سپس، با تمرکز بر مراکز نفتی و نفت کش‌ها در خلیج فارس ادامه یافت. شمار حملات عراق به کشتی‌ها در خلیج فارس از ۳۷ حمله در سال ۱۳۶۴ به ۷۱ و ۹۶ حمله به ترتیب در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ افزایش یافت. [۱۰] .

در این سال، حمله به کشتی‌ها تحول و گسترش دیگری را نیز شاهد بود. تا سال ۱۳۶۳، حملات عراق به جزیره خارک و بوشهر محدود بود. عراق تنها می‌توانست موشک‌های ضد کشتی را با بالگردهای سوپر فرلون [۱۱] با حداکثر شعاع عملیاتی کم‌تر از دویست مایل شلیک کند. در آبان ۱۳۶۲، عراق به پنج فروند هواپیمای سوپر اتاندارد [۱۲] با شعاع عملیاتی بیش از دویست مایل دست یافت، اما نتوانست مشکل برد و مسافت را حل کند. با افزایش برد موشک‌های ام - ۱ در سال ۱۳۶۴، عراق توانست شعاع عملیاتی خود را تا سیصد مایل افزایش دهد. این کشور به طور مداوم از موشک‌های اگزوسه استفاده می‌کرد، ولی این موشک‌ها آن قدر سنگین نبودند که به راحتی، نفت کش‌ها را نابود کنند. [۱۳] هم چنین، ایران ناوگانی مرکب از نفت کش‌های بزرگ را برای ذخیره نفت در حوالی لارک مستقر کرده بود تا در صورت قطع صدور نفت از طریق خارک، برای حدود هفت روز ذخیره داشته باشد. هم چنین در صدد بود تا پایانه‌های جدیدی در بنادر جاسک، لنگه و جزیره قشم راه اندازی کند. در هر حال عراق پس از شکست استراتژی طرح دفاع متحرک بار دیگر به نیروی هوایی متوسل شد. بعد از توقف سه ماهه از اواخر تیر ۱۳۶۵، موج جدید حملات با دامنه گسترده و شدت بیشتر آغاز شد. عراق دامنه حملات خود را با دریافت سلاح‌های پیشرفته در خلیج فارس افزایش داد و در ۲۱ مرداد ماه ۱۳۶۵، برای نخستین بار جنگنده‌های عراقی به تأسیسات نفتی ایران در جزیره سیری حمله کردند و سه نفت کش در حال بارگیری را در ترمینال هدف قرار دادند. برخی از منابع معتقدند، در این حمله، عراق از کشورهای دیگر منطقه کمک گرفته است. این کشور برای حمله هوایی به سیری از چهار فروند میراژ اف ۱ استفاده کرد که برای پرواز نهصد کیلومتری خود از ناصریه این کشور تا سیری به سوخت گیری مجدد نیاز داشتند. [۱۴] .

به هر حال، گسترش دامنه حملات هوایی عراق به سیری جمهوری اسلامی ایران را به چاره‌اندیشی واداشت. در نتیجه، بارگیری نفت را به لارک منتقل کرد. در ۴ آذر ۱۳۶۵، عراق بار دیگر شعاع عملیات هوایی خود را در خلیج فارس گسترش داد و به جزیره لارک در تنگه هرمز

[صفحه ۴۰]

حمله کرد. جنگنده‌های میر اژ اف ۱ که با استفاده از موشک‌های پیشرفته لیزری و با خطای کم تر به لارک حمله کرده بودند به

دلیل طولانی بودن مسافت با کمبود سوخت در مسیر برگشت رو به رو شدند و در عربستان سعودی فرود آمدند. [۱۵] این کشور بدون توجه به اصول مربوط به بی طرفی در جنگ که نگهداری از هواپیمای دو طرف مخاصمه را تا پایان جنگ الزامی می‌داند، سوخت لازم را در اختیار این جنگنده‌ها قرار داد و آنها را به عراق فرستاد. به این ترتیب، عراق توانست آخرین نقطه خلیج فارس را به کمک هواپیما و موشک‌های پیشرفته فرانسوی و با کمک نظامی مستقیم عربستان هدف حملات هوایی خود قرار دهد. هم چنین، نشان داد که هم چنان با استفاده از مزیت منطقه‌ای و بین المللی خود در دسترسی به پیشرفته‌ترین جنگ افزارهای شرق و غرب در صدد قطع درآمدهای نفتی ایران و در نتیجه، تضعیف توان نظامی ایران است.

به خطر افتادن جریان نفت

رژیم صدام با آگاهی از موقعیت و مناسبات بین المللی عراق تلاش کرد صدور نفت به جهان غرب را از راه جنگ نفت کش‌ها، با خطر رو به رو کند و با افزایش تنش در روابط کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران اوضاع را بیش از پیش بحرانی نماید و از این راه آنها را رو در روی هم قرار دهد. دعوت کویت از ابرقدرتها برای اسکورت نفتکش‌های کویتی زمینه را برای حضور نظامی گسترده امریکا و متحدان غربی‌اش فراهم آورد. از نگاه غربی‌ها، جنگ ایران و عراق تا اواخر ۱۳۶۵ یک جنگ محدود و بومی بود؛ زیرا، جز حملات معدودی علیه نفت کش‌ها در خلیج فارس تأثیر بسیار اندکی بر سایر دولت‌ها داشت. [۱۶] گسترش حملات هوایی عراق به نفتکش‌ها و اعمال سیاست مقابله به مثل جمهوری اسلامی ایران علیه حامیان منطقه‌ای عراق باعث شد تا کویت در ۲۳ دی ماه ۱۳۶۵ از امریکا بخواهد یازده فروند نفت کش این کشور را مجددا پرچم گذاری کند و آنها را با کشتی‌های جنگی خود اسکورت نماید. امریکا با هدف بازسازی اعتبار مخدوش شده خود در ماجرای رسوایی مک فارلین در میان کشورهای عرب جنوب خلیج فارس، جلوگیری از سقوط صدام و پیروزی انقلاب اسلامی، حمایت از جریان نفت در منطقه و جلوگیری از نفوذ شوروی در حوزه خلیج فارس، به درخواست کویت پاسخ مثبت داد [۱۷] و بیش از پیش، در کنار عراق قرار گرفت؛ بنابراین، بر تعداد کشتی‌های جنگی امریکا که بر اساس دکترین کارتر و در قالب نیروی ویژه واکنش سریع در منطقه حضور داشتند، افزوده شد. حمله هوایی عراق به ناوچه امریکایی استارک در بهار ۱۳۶۶ که در اثر آن ۳۷ تن از ملوانان امریکایی کشته شدند، مهم‌ترین واقعه‌ای بود که به استراتژی عراق برای بین المللی کردن جنگ کمک کرد. حمله به استارک [۱۸] سومین تحول خلیج فارس در آغاز سال ۱۳۶۶ بود. ورود کشتی‌های جنگی ابرقدرت‌ها به خلیج فارس با دعوت کویت آغاز شد و متحدان منطقه‌ای عراق تلاش کردند از این راه، به طور عملی و مستقیم ایران را با قدرت‌های بزرگ درگیر کنند. نخستین بار، ایران و شوروی رو در روی هم قرار گرفتند. کشتی روسی ایوان کورتیف [۱۹] هدف حمله قایق‌های تندرو قرار گرفت و تعجب و نگرانی جهانیان را برانگیخت. یک فروند نفت کش روسی که در اجاره کویت قرار داشت و در چارچوب برنامه عملیات اسکورت نفت‌کش‌ها حرکت می‌کرد، در ۳۵ مایلی کویت، با مین برخورد نمود و سوراخ بزرگی در بدنه آن پدید آمد، اما واقعه مهم به دست عراقی‌ها به وقوع پیوست. آنها با حمله به ناوچه امریکایی استارک تقابل ایران و شوروی را به رویارویی ایران و امریکا تبدیل کردند. با کشته شدن ۳۷ امریکایی به ناگهان مداخله محدود نظامی - سیاسی امریکا در خلیج فارس به افکار عمومی کشانده شد و بحث‌های گسترده‌ای را میان کنگره و دولت درباره قانون اختیارات رئیس جمهور در زمان جنگ مطرح کرد. روند بررسی اسکورت نفت کش‌های کویتی در خلیج فارس، علی رغم تشدید منازعه قدرت بین دولت و کنگره سرعت یافت و عملیات اسکورت از اول مرداد ۱۳۶۶ آغاز شد. [۲۰] صدام حسین با ارسال نامه‌ای به ریگان ضمن ابراز تأسف از حمله به استارک به طور ضمنی وقوع آن را به ایران نسبت داد و نوشت: «این حادثه

[صفحه ۴۱]

حزن انگیز بـار دیگر ضـرورت فوری تمرکز تلاش‌ها به خاتمه بخشـیدن به جنگ و وادار ساختن رژیم ایران به قبول صـلح بر اساس مقررات و قـوانین بین المللی و قطع‌نـامه شورای امنیت نـاظر به جلوگیری از خونریزی بیشـتر در منطقه را مورد تأکیـد قرار می‌دهـد». [۲۱] رئیس جمهور امریکـا بـدون توجه به حمله عراق به اسـتارک ادعـا کرد: «مقصـر واقعی مـاجرا ایران است و آنهـا از این حـادثه خشـنود هسـتند». اقدامات امریکا آن گونه که صدام در نامه خود تصـریح کرده بود در دو جهت تشدید شد. نخست، اعضای دائمی شورای امنیت تلاش‌های خود را برای تصویب قطع‌نامه‌ای که مباحث آن بعد از عملیات کربلای پنج در شـرق بصـره آغاز شده بود، افزایش دادنـد. هم چنین، اقـدامات امریکا برای تقویت حضور نظامی خود در خلیـج فارس بیشتر شـد. امریکا برنامه آغاز اسـکورت نفتکش‌های کویتی را اعلام کرد و در اوایل ماه ۱۳۶۶، نخستین کاروان از تنگه هرمز به سوی بنادر کویت حرکت نمود.

درگیری نظامی ایران و امریکا

تشدید حملات هوایی عراق در خلیج فارس و افزایش ناوگان نظامی امریکا در منطقه برای اسکورت نفتکش‌های کویتی، رویارویی و درگیری نظـامی ایران و امریکـا را بـاعث شـد و تحولاـت خلیـج فـارس و لشکرکشـی امریکـا به منطقه نیز به تحریـک بیشتر افکار عمومی در ایران انجامیـد. مسـئولان بـا بیـان این که جنـگ بـا امریکا برای ملت ایران از جنگ با عوامل آن شـیرین‌تر است، تبلیغات گسترده‌ای را برای جـذب نیروهـای مردمی به راه انداختنـد. در نتیجه، کاروان مـدافعان خلیـج فارس با برگزاری مراسم گوناگون از سراسر کشور به جبهه‌های جنگ رهسپار شدند.

در آب‌های خلیج فارس، رویارویی بین ایران و امریکا روندی تصاعدی داشت. نخستین کاروان نفتکش‌های کویتی تحت اسکورت امریکا بعد از عبور از آب‌های جزیره فارسی در میدان مین گرفتار شد و نفتکش بریجتون با مین برخورد کرد. در این جریان، امریکا ایران را مقصـر دانست. حـدود دو ماه بعـد، کشتی ایران اجر به بهانه این که مشغول مین گـذاری در خلیـج فارس است هدف حمله بالگردهای امریکایی قرار گرفت. درگیری قایق‌های تندروی سپاه با بالگردهای امریکایی در حوالی جزیره فارسی و شلیک موشک استینگر جلوه آشـکارتری از درگیری دو کشـور بـود. برخـورد دو فرونـد موشـک کرم ابریشـم بـه دو نفتکش امریکـایی در بنـدر الاحمدی

[صفحه ۴۲]

کویت در دو روز متوالی مرحله جدیدی از گسترش جنگ به کشورهای دیگر بود. امریکا سـکوی نفتی رشادت را هدف حمله قرار داد که با حمله موشـکی به پایانه سـی ایلند بندر الاحمدی رو به رو شد. بعد از آن، برای مدتی نزدیک به شـش ماه درگیری نظامی در خـور تـوجه بین ایران و امریکـا رخ نـداد. امریکـا بیشـتر به تجهیز ناوگـان خـود پرداخت و از متحـدان اروپـایی خـود خواست تا کشتی‌هـای بیشـتری را بـه منطقـه اعزام کننــد. دور دوم درگیری ایران و امریکـا از ۲۵ فروردین مـاه ۱۳۶۷ آغـاز شـد و بـا حمله ناو وینسنس به هواپیمای مسافربری ایران به پایان رسد این اقدامات بیانگر تشدید درگیری‌های نظامی بین دو کشور بود و با قرار گرفتن امریکا در کنار عراق، موازنه را به ضرر جمهوری اسلامی ایران تغییر داد. [۲۲] .

اعراب و بین المللی شدن جنگ

بعد دیگر استراتژی عراق در بین المللی کردن جنگ، گسترش آن به کشورهای عربی بود. عراق امیدوار بود که با گسترش جنگ، کشورهای عرب منطقه را به حضور فعال‌تر و انجام اقدامات مؤثرتر برای پایان دادن به آن وادار کند. با وجود این که عراق از همان آغاز جنگ تلاش کرد با طرح موضوعاتی چون پان عربیسم، جنگ سردار قادسیه، باز گرداندن جزایر سه گانه عربی، دفاع از مرزهای شرقی امت عرب، خود را در پناه اعراب قرار دهد و از امکانات و توانایی‌های آنها بهره جوید، ولی مواضع و حمایت کشورهای مترقی عرب منطقه مانند سوریه، لیبی و تا حدی الجزایر و یمن جنوبی از ایران باعث شد تا صدام کاملا به هدف خود نرسد. البته، حمایت جدی اکثریت اعراب را پشت سر خود داشت و این حمایت‌ها در مواقع حساس جنگ یا گسترش آن به کشورهای دیگر بیشتر می‌شد.

پس از بازپس گیری خرمشهر و محرز شدن برتری قوای جمهوری اسلامی ایران، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس حملات تبلیغاتی خود را علیه این کشور تشدید کردند و کمک‌های مادی و حمایت‌های سیاسی خود را از عراق افزایش دادند. در ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱، اجلاس وزیران خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در کویت برگزار شد. در جریان این اجلاس، کشورهای مزبور ضمن تأکید بر کمک‌های خود به عراق متعهد شدند بهای خرید تسلیحاتی عراق از کشورهای غربی را نیز پرداخت کنند. بعد از قطع جریان صدور نفت عراق از مسیر سوریه و انهدام سکوهای نفتی البکر و العمیه که تولید نفت عراق را به شدت کاهش داد، بار دیگر وزیران خارجه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در ریاض تشکیل جلسه دادند و تصمیم گرفتند هر یک تولید نفت خود را به میزان پانصد هزار بشکه در روز افزایش دهد تا از این راه، کمبود عدم صدور نفت عراق جبران شود و درآمد حاصل از آن به صورت وام بلاعوض در اختیار صدام قرار گیرد. علی رغم خسارات بالای نظامی در طول هشت سال جنگ، کمک‌های مالی اعراب آن قدر گسترده بود که رژیم عراق نه تنها توانست آنها را با خرید گسترده سلاح جایگزین کند، بلکه در پایان جنگ نیز، به چند برابر افزایش دهد. صرف کمک‌های مالی عربستان سعودی در پایان جنگ بیش از هشتاد میلیارد دلار بود. در پی مسدود شدن راه ارتباطی آبی عراق به جهان خارج، اردن و کویت بنادر خود را در اختیار بغداد قرار دادند. در اواخر جنگ، به ویژه در دوره حملات عراق به خطوط کشتیرانی، هواپیماهای عراقی برای حمله به مراکز نفتی ایران در دهانه تنگه هرمز از جزیره بوبیان کویت و پایگاه ظهران عربستان استفاده کردند. [۲۳] .

فتح فاو در عملیات والفجر هشت به پیدایش وضعیت جدیدی منجر شد که با مشخصه‌های جنگ فرسایشی‌ای که عراق پس از شکست در خرمشهر در پیش گرفته بود و امیدوار بود به پذیرش صلح از سوی ایران منتهی شود، هیچ گونه تطابقی نداشت. عراق پس از تلاش‌های گسترده برای باز پس‌گیری فاو و تحمل تلفات سنگین به ناچار شکست را پذیرفت. این ناکامی انعکاس نامطلوبی در بین حامیان عراق داشت. شورای همکاری خلیج فارس از روند تحولات ابراز نگرانی کرد و اجلاس وزیران خارجه را برای بررسی موضوع در عمان برگزار نمود. در این اجلاس، تصرف فاو از سوی ایران با قوانین بین المللی و اصول حسن همجواری مغایر قلمداد شد. آنها برای مقابله با

[صفحه ۴۳]

تأثیرات ناشی از تحولات سیاسی - نظامی در جنگ ایران و عراق خواستار تشکیل نیروهای سپر جزیره شدند. هم چنین، مقرر گردید که شورای همکاری خلیج فارس طی تماس با کشورهای عرب و سایر کشورها، برای خنثی کردن موقعیت برتر ایران که در اثر فتح فاو به دست آمده بود به موضع مشترکی دست یابد و اقداماتی را علیه ایران انجام دهد. [۲۴] کویت بندر الشعیبه را برای تخلیه اسلحه و تجهیزات و مهمات وارداتی در اختیار عراق گذاشت و به هواپیماهای عراقی اجازه داد تا با عبور از فضای این کشور

خود را به جنوب خلیج فارس نزدیک کنند و کشتی‌های ایرانی را هدف قرار دهند. هم چنین، ناوچه‌ها و کشتی‌های کوچک عراق از آب‌راه بین کویت و بوبیان و بالگردهای عراق از فضای کویت عبور کرده و علیه ایران دست به حملات نظامی می‌زدند. [۲۵] .

طرف‌های منازعه و استراتژی آنها

اشاره

در سال پایانی جنگ، کویت با دعوت از قدرت‌های بزرگ جهان برای اسکورت نفتکش‌هایش نقش مهمی را در گسترش جنگ ایفا کرد. در این هنگام، جبهه گسترده و نامتقارنی در آب‌های خلیج فارس پدید آمد که یک طرف آن جمهوری اسلامی ایران و طرف دیگر آن مثلث عراق، حامیان منطقه‌ای آن، بویژه کویت و عربستان و قدرت‌های فرا منطقه‌ای به ریاست امریکا بود. عراق آغازگر گسترش جنگ، کویت بستر ساز آن و قدرت‌ها و ابر قدرتها مجریان آن محسوب می‌شدند. حوزه اصلی رویارویی نظامی، آب‌های خلیج فارس بود و بر این منازعه قواعد جنگ کم شدت حاکم بود. در این درگیری، هر یک از دو طرف برای رسیدن به اهداف سیاسی، نظامی با ملاحظاتی رو به رو بودند که از استفاده همه جانبه آنها از سلاح‌های خود جلوگیری می‌کرد. خشونت تا حدی کنترل می‌شد و اقدامات نظامی محدود و با هدف مشخص انجام می‌گرفت. البته، این موضوع درباره عراق به دلیل این که در حال یک جنگ تمام عیار با ایران بود صدق نمی‌کند. در این جنگ، عراق از تمام توان نظامی و تسلیحاتی خود برای رسیدن به هدف بهره جست. از سلاح‌های شیمیایی خود نه تنها در میدان‌های نبرد استفاده کرد، بلکه با حمله شیمیایی به مناطق مسکونی شهر سردشت در ایران و حلبچه در عراق نشان داد که به محدودیت در هدف نیز قائل نیست، اما دو ضلع دیگر مثلث و طرف مقابل آنها، یعنی جمهوری اسلامی ایران از قواعد جنگ محدود یا کم شدت پیروی می‌کردند. آنها محدودیت‌هایی را در انتخاب اهداف حمله، سلاح مورد استفاده، توان نظامی به کار رفته، شدت درگیری و گستره جغرافیایی درگیری در نظر می‌گرفتند و به کار می‌بستند.

استراتژی ایران

استراتژی جمهوری اسلامی بعد از اخراج عراق از ایران تعقیب و تنبیه متجاوز بود. سرنگونی رژیم صدام حسین به عنوان آغاز کننده جنگ از شرایط پایان جنگ محسوب می‌شد تا بار دیگر در پی تدارک تجاوز دیگری نباشد. مهندس میر حسین موسوی، نخست وزیر وقت، گفت: «تنبیه متجاوز جزء شروط حتمی پایان جنگ می‌باشد و ما همواره روی این شرط به عنوان شرطی که با عدالت سازگار است خواهیم ایستاد» [۲۶] برای تحقق این هدف توان نظامی جمهوری اسلامی ابزار آن استراتژی در مقایسه با توان عراق با محدودیت بیشتری رو به رو شد. جمهوری اسلامی در نظر داشت در پی اجرای عملیاتی سرنوشت ساز، ماشین جنگی رژیم صدام را تضعیف و با کمک خود مردم عراق حکومت آن را سرنگون و حکومتی اسلامی را در این کشور برقرار کند. در این چارچوب، گسترش جنگ به کشورهای دیگر نه از اهداف استراتژی بود و نه ابزار و روش آن اقتضای اتخاذ چنین شیوه‌ای را داشت. هم چنین، توانایی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برای تجهیز و تدارک جبهه‌های جنگ و اداره جامعه به درآمدهای حاصل از صدور نفتی که از راه پایانه‌های موجود در جزایر و بنادر خلیج فارس صادر می‌شد بستگی داشت. تداوم جریان نفت از خلیج فارس برای اقتصاد ایران به اندازه جریان خون در بدن انسان مهم بود. ایجاد وضعیت آرامی برای صدور نفت ایران و برقراری آرامش برای خطوط کشتیرانی یکی از اهداف استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آمد. هم چنین، از آن جا که جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ با عراق بود به این کشور اجازه نمی‌داد که برای تقویت توان نظامی خود از آب‌های خلیج فارس استفاده کند. بی شک،

حفظ امنیت خلیج فارس یکی از اهداف راهبردی ایران بود و تهدید این

[صفحه ۴۴]

امنیت به معنای به خطر افتادن منافع حیاتی آن تلقی می‌شد، یعنی گسترش جنگ در منطقه خلیج فارس از سوی هر کشوری و به هر نحوی که بود مسلما با اهداف و منافع حیاتی ایران در تعارض قرار داشت و برای جلوگیری از گسترش جنگ تلاش می‌کرد. تلاش برای تأمین و حفظ امنیت در خلیج فارس تا زمانی پذیرفته می‌شد که مستلزم رعایت بی‌طرفی از سوی دیگر کشورها، حفظ جو تفاهم آمیز در منطقه و تداوم جریان نفت ایران بود. این استراتژی به سیاست امنیت برای همه یا هیچ که به شکل سیاست مقابله به مثل اجرا می‌شد معطوف بود. در این راه، جمهوری اسلامی بیشترین خویشتن‌داری را برای جلوگیری از ناامنی از خود نشان می‌داد. رئیس جمهور وقت با اشاره به حضور امریکا در خلیج فارس ابراز کرد: «سیاست مقابله به مثل ما در برخورد با رژیم عراق و حامیانش بدون توجه به حضور نیروهای امریکا ادامه خواهد یافت اگر امریکا ناوهای خود را وارد جریانات نکند، ما به آنها متعرض نخواهیم شد، ولی اگر قصد آشوب و انجام تحریکاتی داشته باشند با آنها مقابله به مثل خواهیم کرد». [۲۷] استراتژی جنگ محدود و کم شدت برای ایران یک گزینه مناسب بود که در صورت ایجاد نا امنی در خلیج فارس از سوی کشورهای دیگر، به شکل محدود به آن پاسخ می‌داد و تلاش می‌کرد که از گسترش آن و تحت الشعاع قرار دادن میدان‌های نبرد جلوگیری کند. از نظر منابع و ابزار نیز، جمهوری اسلامی نمی‌توانست در فکر گسترش جنگ باشد؛ زیرا، توانایی نظامی ایران در خوش‌بینانه‌ترین حالت تنها می‌توانست بر توان نظامی عراق که در جبهه‌های جنگ بروز یافته بود غلبه کند.

استراتژی نظامی عراق

اگر دو کشور امریکا و کویت با گسترش جنگ آسیب می‌دیدند، عراق تنها با بین المللی شدن جنگ می‌توانست از شکست خود جلوگیری کند. شدت بیشتر جنگ برای عراق معادل حمایت بیشتر نظام بین المللی از بغداد و دخالت شدیدتر برای پایان جنگ بود. با گسترش جنگ، امنیت در خلیج فارس بیش از پیش به خطر افتاد و فرصت صدور نفت برای ایران کم‌تر شد. قطع درآمدهای نفتی و درگیری در خلیج فارس تضعیف توان نظامی ایران را در رویارویی با عراق در پی داشت. بین المللی شدن جنگ برای عراق به معنای دخالت قدرت‌های دیگر جنگ در حمایت از عراق بود. شوروی و فرانسه منابع و ابزار لازم را برای این استراتژی فراهم می‌آوردند. همچنین، خود دولت‌های منطقه در اجرای این استراتژی نقش مهمی را بازی کردند. نقض کامل بی‌طرفی از سوی کویت و برخی از کشورهای منطقه با واکنش جمهوری اسلامی ایران

[صفحه ۴۵]

رو به رو شد و منطقه را در وضعیتی قرار داد که در آن، روند درگیری رو به افزایش بود. عراق در پی تصاعد درگیری و ایران، کویت و امریکا به نسبت‌های متفاوت خواستار کنترل آن بودند». [۲۸] عراق امیدوار بود که با تشدید و بین المللی کردن جنگ به صلح دست یابد و از درگیری بیشتر در یک جنگ فرسایشی که ایران به سبب جمعیت بیشتر و پایگاه صنعتی گسترده‌تر در آن طرف برتر بود احتراز کند. در نتیجه، برای اجرای این امر تشدید جنگ شهرها از طریق به کارگیری موشک‌های دوربرد، استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیر نظامیان، تهدید به حمله شیمیایی علیه شهرهای بزرگ و بهره‌گیری از توان بالای نیروی

هوایی خود در حمله به کشتی‌ها و مراکز نفتی ایران در خلیج فارس را در برنامه کاری خود قرار داد و در سال پایانی جنگ، از همه آنها برای جلب توجه افکار عمومی جهان، سازمان‌های بین المللی و قدرت‌های بزرگ برای اقدام در پایان دادن به جنگ بهره برد.

استراتژی امریکا

امریکا ضلع سوم مثلث متحدان عراق در خلیج فارس از استراتژی جنگ کم شدت پیروی می کرد. اهداف کلی این کشور در منطقه حمایت از کشورهای منطقه در مقابل موج انقلاب اسلامی، جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ و تسلط بر منطقه، اعاده اعتبار مخدوش شده امریکا در ماجرای مک فارلین میان کشورهای منطقه، جلوگیری از نفوذ شوروی و تداوم جریان نفت بود. این کشور در درجه نخست به شدت از پیروزی ایران نگران بود. در نتیجه، اولویت نخست امریکا جلوگیری از تحقق این هدف بود. در سال ۱۳۶۶، کمیته روابط خارجی سنای امریکا در گزارشی نوشت: «شکست عراق برای منافع غرب فاجعه‌آمیز است. پیروزی ایران بر عراق به عنوان یک پیروزی برای بنیادگرایی اسلامی به شمار می‌رود. این تصور که ایران امریکا را در جریان معامله جزئی سلاح در مقابل آزادی گروگان‌ها تحقیر کرده است بر جذبه بنیادگرایی می‌افزاید، پیروزی ایران بر عراق را با عواقب بی ثبات کننده و مخربی برای رژیم‌های عرب محافظه کار از تونس و مصر گرفته تا عمان افزایش می‌دهد». [۲۹] .

سیاست امریکا در ابعاد گوناگون نظامی، سیاسی و اقتصادی در راستای جلوگیری از پیروزی ایران بود. بعد نظامی سیاست بیشتر در سال پایانی جنگ بروز یافت. تا قبل از این سال، بعد نظامی سیاست امریکا بیشتر به ارائه کمک‌های اطلاعاتی به عراق و فروش تسلیحات به متحدان منطقه‌ای عراق محدود بود، اما بعد از تلاش عراق برای بین‌المللی کردن جنگ و دعوت کویت از قدرت‌های بزرگ برای حفاظت از نفتکش‌های کویتی، حضور نظامی امریکا در خلیج فارس افزایش یافت و کمک‌های نظامی این کشور به عراق به صورت آشکار جلوه گر شد. امریکا عملاـ به یک جنگ محدود با ایران وارد شد و در سال ۱۳۶۶، نیروی خود را در اقیانوس هند به یک گروه ناوگان کامل افزایش داد. این گروه ناوگان ۸۵ هزار تنی کیتی هاوک و یازده فروند کشتی اسکورت را شامل می‌شد. نیروی ضربتی این ناوگان در خارج از خلیج فارس در ساحل عمان مستقر بود. به تدریج، تعداد شناورهای امریکایی به ۳۸ فروند رسید و حدودا به همان میزان نیز متحدان غربی امریکا از توان کافی برای اجرای عملیات نظامی گسترده‌تر برخوردار بود، [۳۰] ولی آسیب‌پذیری این کشور، مشکلات داخلی درباره تقسیم قدرت بین نهادها و سابقه و ذهنیت منفی تاریخی مردم امریکا نسبت به جنگ‌های منطقه‌ای که تا آن موقع دخالت زیان بار ویتنام و لبنان را تجربه کرده بودند، موجب وحشت امریکا از آغاز یک جنگ فرسایشی دیگر در منطقه شد. به هر حال، با توجه به موارد یاد شده امریکا گزینه جنگ محدود و کم شدت را بر جنگ همه جانبه و فراگیر ترجیح می‌داد و می کوشید تا به هر نحو ممکن، از ایجاد یک جنگ فرسایشی جلوگیری کند. با این حال، این کشور با گشودن یک جبهه جدید علیه جمهوری اسلامی ایران و آغاز یک جنگ کم شدت در منطقه نقش مهمی را در بین المللی شدن جنگ بازی کرد.

استراتژی کویت و عربستان

طرف دیگر بین المللی شدن جنگ، کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس بودند. این کشورها استراتژی واحدی نداشتند، اما در آن زمان، همگی نگران گسترش انقلاب اسلامی و فروپاشی حکومت‌های پادشاهی سنتی خود بودند. این نگرانی با اقدامات و تبلیغات عراق و واکنش‌های ایران افزایش یافت. حملات عراق به کشتی‌ها و اعمال سیاست مقابله به مثل ایران نمونه عالی این زنجیره اقدامات عراق و ایران و نگرانی و واکنش عرب‌ها بود. البته، با این بیان نباید نقش کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس را در کمک به عراق و امریکا نادیده گرفت. امریکا در طول عملیات نظامی خود در منطقه از نظر

[صفحه ۴۶]

سوخت، استفاده از تأسیسات هوایی و دریایی، امکانات استقرار هواپیما، نیروهای زمینی و تفنگ‌داران دریایی به کویت و عربستان وابسته بود. آنتونی کردزمن در کتاب درس‌هایی از جنگ‌های نوین: جنگ ایران و عراق در این باره می‌نویسد: «کویت هزینه اجاره شناورهایی را که امریکا در خلیج [فارس] از آنها استفاده می‌کرد پرداخت می‌نمود و ماهانه، حدود نه میلیون گالن سوخت به آن کشور تحویل می‌داد». کویت همکاری‌هایی را در زمینه استفاده از تأسیسات بندری و غیره نیز انجام می‌داد. عربستان سعودی به امریکا اجازه داد تا هواپیماهای P-۳C را در خاک کشورش مستقر سازد و مین روب‌های امریکایی گهگاهی از منطقه جبیل استفاده می‌کردند. ریاض همچنین، حمایت آواکس‌های E-۳A و پشتیبانی تدارکاتی از حضور امریکا در منطقه را فراهم آورد. در بخش نهایی، خلیج فارس آواکس‌های عربستان با خدمه امریکا و در بخش جنوبی آواکس‌های E-SA عربستان سعودی پوشش هوایی لازم را فراهم می‌آوردند. عربستان به شناورها و ناوگان هواپیمابر امریکا اجازه می‌داد برای سوخت‌گیری مجدد در آب‌های آن کشور پهلو بگیرند. بحرین خدمات پزشکی و آتش‌نشانی را در زمان حمله به ناوچه امریکایی استارک و تعمیر آن پس از اصابت را تامین کرد. بالگردهای امریکایی به طور معمول از خاک بحرین برای تمرین و بارگیری استفاده می‌کردند. هم چنین، بحرین به ناوگان‌های امریکایی اجازه داده بود که به طور مستمر بارگیری کنند. در اوج استقرار نیروهای امریکایی در منطقه، در هر هفته، یک کشتی تدارکاتی و در هر روز، پنج هواپیمای C-۱۴۱ و DC-۸ و DC-۱۰ نیروی هوایی امریکا در بحرین تخلیه بار می‌کردند. بحرین به صورت دو فاکتور استقرار نیروهای امریکایی را در خاک خود پذیرفته و چندین سکوی بزرگ را برای استقرار نیروهای امریکایی به آنها اجازه داده بود. امارات متحده عربی نیز به ناوهای E-۲ امریکا اجازه سوخت گیری مجدد و پهلوگیری در بنادر و به هواپیماهای E-۳A آن اجازه پرواز بر فراز خاک آن کشور را داده بود. دوبی خدمات بسیار مهم تعمیراتی را برای ناوهای امریکایی تأمین می‌کرد. عمان نیز به امریکا اجازه داده بود تا هواپیماهای P-۳ را در میصره مستقر سازد و به این ترتیب، برای گروه ناوگان جنگی امریکا نقش پایگاه اصلی را بازی می‌کرد. هر چند میزان دقیق همکاری کشورهای منطقه با امریکا هنوز محرمانه است، فرماندهان نظامی امریکا این همکاری را برای موفقیت عملیاتشان فوق العاده حیاتی عنوان می‌کنند. [۳۱] .

جمع بندی و نتیجه گیری

از سال ۱۳۶۵، عراق به دلیل شکست‌های سنگین در فاو و شرق بصره و ناکامی آن در استراتژی دفاع متحرک، بین المللی کردن جنگ را جایگزین استراتژی جنگ فرسایشی کرد و آنرا با تمام توان به اجرا گذاشت، سلاح‌های پیشرفته فرانسوی و روسی ابزارهای لازم را برای آن فراهم آورد و حمایت‌های همه جانبه کویت و عربستان سعودی اجرای آن را تسهیل کرد. جنگ نفتکش‌ها، جنگ شهرها و استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیر نظامیان جلوه‌های بیرونی سیاست عراق در اجرای استراتژی خود بود. زمامداران عراق دریافته بودند تا زمانی که جنگ و پیامدهای آن متوجه کشورهای دیگر نشود، جامعه جهانی گام نهایی را برای پایان جنگ برنمی‌دارد. اختلال در جریان نفت از خلیج فارس به کشورهای صنعتی جهان حساس‌ترین موضوع و سهل‌ترین هدف بود. صدور نفت از منطقه جزء منافع حیاتی قدرت‌های بزرگ و مؤثر جهان و کشورهای صادر کننده نفت در منطقه از جمله خود ایران محسوب می‌شد و هرگونه اختلال در آن واکنش تند آنها را در پی داشت.

قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه گسترش جنگ به کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس را با حساسیت پیگیری می‌کردند و افکار عمومی جهان تحت تأثیر آثار و پیامدهای ضد بشری استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، گسترش حملات علیه مناطق

مسکونی و موشک باران شهرها بود و به دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی برای پایان دادن به جنگ فشار می‌آورد. ناوگان دریایی امریکا که به صورت محدود پس از پیروزی انقلاب در منطقه حضور داشت به شدت افزایش یافت و زمامداران کاخ سفید ضمن اسکورت نفتکش‌های کویتی، از متحدان غربی خود درخواست کردند تا برای تأمین امنیت جریان صدور نفت از خلیج فارس تعدادی ناوگان نظامی و کشتی‌های

[صفحه ۴۷]

مین روب به منطقه اعزام کنند. در نتیجه، خلیج فارس شاهد بیش از هفتاد فروند شناور غربی در سال پایانی جنگ بود که عملکردشان در راستای حمایت از عراق و اعمال فشار بر جمهوری اسلامی قرار داشت.

بین المللی شدن جنگ در حوزه سیاسی نیز تأثیر مستقیم داشت این تأثیر را می‌توان در سه سطح کشورهای منطقه، قدرت‌های بزرگ و سازمان ملل متحد بررسی کرد. حوادث خلیج فارس موجب تغییر در مواضع معدود کشورهای طرفدار ایران در منطقه شد. متحدان عراق در جهان عرب تلاش گسترده‌ای را برای جدا کردن متحدان منطقه‌ای ایران آغاز کردند. برای نمونه، مصر روابط نزدیک‌تری با عراق برقرار کرد. معمر قذافی در یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای اعلام کرد: «عاقبت این جنگ نابودی دو کشور است و اگر ایران بخواهد به صورت یک قدرت استعماری در خلیج فارس درآید لیبی علیه او وارد جنگ خواهد شد». هم چنین، وزیر خارجه لیبی به بغداد سفر کرد و مجددا روابط دیپلماتیک دو کشور را از سر گرفته شد. [۳۲] به طوری که حتی پس از برگزاری اجلاس اتحادیه عرب در تونس، رهبر لیبی برخی از کمک‌های خود را به ایران یکی از اشتباهات بزرگ خواند. [۳۳] سوریه ضمن تأکید بر حمایت خود از جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که سوریه نمی‌تواند تصرف بصره را قبول کند و در صورت اقدام نظامی علیه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در کنار اعراب باقی خواهد ماند و هر گونه تعرض به خاک آنها را تعرض به سوریه تلقی خواهد کرد. [۳۴] در مجموع، مواضع و عملکرد کشورهای سوریه و لیبی باعث شکست عراق در عربی کردن جنگ شد و عملکرد کشورهای عرب متحد عراق برای جدا کردن آنها از انقلاب اسلامی ناموفق بود، ولی گسترش جنگ در خلیج فارس موجب نزدیکی بیشتر آنها به کشورهای عرب شد. هم چنین در اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران گام‌های مؤثری برداشته شد.

در سازمان ملل، جنگ ایران و عراق به صورت جدی مورد توجه قرار گرفت. شورای امنیت پس از مذاکرات گسترده طولانی‌ای که پنج ماه به طول انجامید، قطعنامه ۵۹۸ را در قالب فصل هفت منشور ملل متحد تصویب کرد. با گسترش جنگ در عرصه دریا، استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، تشدید جنگ شهرها و استفاده از موشک‌های دوربرد توجه افکار عمومی بیش از گذشته به جنگ معطوف شد و فشار برای پایان دادن به جنگ افزایش یافت. شورای امنیت در پی جلب نظر موافق تمام اعضا برای تصویب قطع‌نامه تحریم تسلیحاتی ایران برآمد، امریکا با فشارهای مداوم خود بر چین خواستار پایان دادن به ارسال سلاح، به ویژه موشک‌های HY۲ به ایران شد؛ زیرا، مدعی بود که ایران با این موشک‌ها به نفتکش‌های امریکایی در بندر الاحمدی حمله کرده و سرزمین کویت را هدف قرار داده است. هر چند قطع‌نامه تحریم تسلیحاتی هرگز به تصویب نرسید، حساسیت دولت‌ها و افکار عمومی کشورها نسبت به تداوم جنگ به مرحله‌ای رسیده بود که ارسال سلاح و تجهیزات را به ایران به شدت محدود و هزینه آن را افزایش داده بود. جدا از عوامل دیگری که در آغاز بحث مطرح شد، موضع به ظاهر صلح طلبانه عراق در سال پایانی موقعیت بین المللی این کشور را بهبود بخشیده بود و با وجود این اقدامات ضد بشری و انجام جنایات جنگی در استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه مردم حلبچه، گسترش جنگ در خلیج فارس و حمله علیه خطوط کشتیرانی، مناطق مسکونی، غیر نظامیان و آثار تاریخی مورد پذیرش افکار عمومی نبود، پیامدها و فشارهای بین المللی ناشی از این وقایع به این دلیل که ایران بر ادامه جنگ پافشاری می‌کرد،

عمـدتا به طرف جمهوری اسـلامی ایران سوق داده می‌شد. در نتیجه، محدودیت‌های علیه ایران اعمال می‌شد. به این ترتیب، هر قدر اقدامات عراق در بین المللی کردن جنگ و تشدید آن بیشتر می‌شد فشارهای بین المللی بر جمهوری اسـلامی ایران ابعاد جدیدتری می‌یافت و تشدید می‌شد.

پاورقی

[۱] Escalation.

[۲] ر.ک. به: کریس هیبلز گری؛ جنگ پست مـدرن: سیاست نوین درگیری؛ ترجمه احمـد رضا تقاء؛ تهران: دانشـکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ، ۱۳۸۱.

[۳] برای مطـالعه بیشتر درباره شاخص‌های قـدرت در عراق ر.ک. به: سـید حسـین سـیف زاده؛ عراق: ساختار و فرآینـد گرایش‌های سیاسی؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.

[۴] حسین یکتا؛ روز شمار جنگ ایران و عراق بحران در خوزستان؛ جلد ۲ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات، ۱۳۷۷، ص ۴۹۳.

[۵] Helms Christine Moss، Iraq: Estern Flank of the Arab World.Washington D.C.۱۹۸۴.P.۲۰۴-۲۰۸.

[۶] ر.ک. به: داود باونـد: «نگرشـی گذرا بر سیاست خارجی دولت خاتمی: نویدها و زنهارها» در مهدی ذاکریان. سـیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب نظران. تهران: همشهری، ۱۳۸۰، صص ۱۲۱ – ۱۳۶.

[۷] محمد باقر حشـمت زاده؛ «جنگ تحمیلی و نفت» جنگ تحمیلی (مجموعه مقالات)؛ تهران: دانشـکده فرماندهی و سـتاد، ۱۳۷۳، صص – ۲۷ – ۸۶.

[۸] حسین اردستانی؛ تنبیه متجاوز. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، ص ۲۱۱.

[۹] موسـی کـاظمی. «تحلیـل آمـاری جنـگ شـهرها، نگـاهی از آغاز تا پایان» در مجیـد مختاری (به اهتمام) تأملی در جنگ ایران و عراق: چند مسئله راهبردی؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷.

[۱۰] محمود یزدان فام؛ نبرد با دریا و دشمنان دریایی، فصلنامه تاریخ جنگ؛ شماره ۱۷، تابستان ۱۳۷۷، ص ۶۳.

[۱۱] Super Frelon.

[۱۲] Super Etendards.

[۱۳] Anthony H.Cordesman and Abraham R.Wagner. The Lesson of Modern War:.Vol.II:the Iran – Iraq War. London: Westview Press ، ۱۹۹۰.P.۲۲۹.

[۱۴] یحیی فوزی و علیرضا لطف الله زادگان؛ روز شـمار جنگ: در تدارک عملیات سـرنوشت ساز؛ جلد ۴۳، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۲۸۸.

[۱۵] Cordesman. OP.Cit.P.۲۴۲.

[۱۶] ژوهـانس ایسـنر؛ «مسـئله تجـاوز و نقش دریافت جهانی از جنگ ایران و عراق» در بازشناسـی جنبه‌های تجاوز و دفاع؛ جلـد ۲، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز دفاع، ۱۳۶۸، صص ۲۹۵ – ۳۰۲.

[۱۷] الیزابت گـاملن و پـال راجرز، «قرار گرفتن نفتکش‌هـای کویتی زیر پرچم ایالاـت متحـده، دلایـل و تـأثیرات آن» در بازشناسـی جنبه‌های تجاوز دفاع؛ جلد ۲، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۸، صص ۱۵۳ – ۱۸۴.

[۱۸] Stark.

[۱۹] Ivan Korotoyev.

[۲۰] Maxwell Orme Johnson. "The Role of U.S. Military Force in the Gulf War". in Christopher C.Joyner، The Persian Gulf War: Lessons for Stratgy، Law and Diplomacy. (New york: Green wood press،۱۹۹۰).

[۲۱] Nadia EL-Sayed El-Shazly. The Gulf Tanker War: Iran and Iraqs Maritime Sword play. London: Macmilian Press LTD، ۱۹۹۸، p.۲۸۲-۲۹۲.

[۲۲] محمود یزدان فام؛ «سیمای خلیج فارس در واپسین سال جنگ ایران و عراق» ماهنامه نگاه ویژه جنگ ایران و عراق؛ شماره ۱۵ و ۱۶، شهریور و مهر ۱۳۸۰، صص ۸۹ – ۱۰۲.

[۲۳] علی اکبر علی خانی؛ «مواضع و عملکرد نظام بین الملل در قبال جنگ ایران و عراق» در دفتر بررسی‌های سیاسی. انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین الملل؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۱۴۱ – ۱۸۸.

[۲۴] محمد درودیان؛ فاو تا شلمچه؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ سوم، ۱۳۷۹، ص ۳۰.

[۲۵] عبدالحلیم ابوغزاله؛ جنگ عراق و ایران؛ ترجمه نادر نوروزشاد؛ تهران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، ص ۶۲۹.

[۲۶] روزنامه اطلاعات، ۴ / ۶ / ۱۳۶۶، ص ۳.

[۲۷] روزنامه رسالت، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۶، ص ۵.

[۲۸] EL - Sayed ; Op.Cit.p.۱۹۰ - ۱۹۳.

[۲۹] روزنامه کیهان، ۶ / ۸ / ۱۳۶۶، ص آخر.

[۳۰] Orme Johnson. Op.Cit.p.۱۲۷-۱۳۸.

[۳۱] Cordesman. Op.Cit.p.۵۷۱.

[۳۲] روزنامه اطلاعات، ۹ / ۱۰ / ۱۳۶۶، ص آخر.

[۳۳] روزنامه اطلاعات، ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۷، ص آخر.

[۳۴] روزنامه اطلاعات، ۹ / ۷ / ۱۳۶۶، ص آخر.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».